



بخش آموزش رسانه تفریحی سنتر

کلیک کنید  www.tafrihicenter.ir/edu

 نمونه سوال  گام به گام

 امتحان نهایی  جزوه

 دانلود آزمون های آزمایشی

متوسطه اول : هفتم ... هشتم ... نهم

متوسطه دوم : دهم ... یازدهم ... دوازدهم

www.tafrihicenter.ir

درسنامه درس ۱۱ پایه، مفهّم

عهد و پیمان

تہیہ و تدوین

دکتر خالق شمسی

دیر ادبیات دیرستان علامہ اینی شہرستان میانہ

عهد: پیمان

رشته دوستی را قطع نمی‌کرد: کنایه از ادامه دادن دوستی

دوستی به رشته تشبیه شده است

پایبند: آن که خود را موظف به انجام کاری می‌داند

توصیه: سفارش

موظف: وظیفه‌ای که هر کس به عهده دارد

مکت: ایستادن/درنگ

حرم مطهر: حرم پاک

صلاح: درستی/خیراندیشی

هجوم: حمله/یورش

کهنسال: قدیمی

صحن: میدان/عرصه/حیاط

متواضع: فروتن

رئیس جمهور وقت: رئیس جمهور آن زمان

مطهر: پاک و مقدس

موج جمعیت: جمعیت بسیار زیاد/جمعیت به موج تشبیه شده است

وضع: حالت/وضعیت

معین: مقرر/تعیین شده

خصلت: ویژگی/خوی

امان: ایمن/آسوده

عیبی: اشکالی/ایرادی

تحمل: شکیبایی/بردباری کردن

عابران: رهگذران

انگار: گویا/به نظر

برق خوشحالی: خوشحالی به برق تشبیه شده است/یعنی درخشندگی خوشحالی و شادی

مهد: گهواره

رصدخانه: جایی که ستارگان و وضعیت حرکت آنها را بررسی می‌کنند

مکاتبه: نامه‌نگاری

تعلم: یاد گرفتن

برافروخته: روشن
پرخوف: ترسناک
ادیب: نویسنده/سخندان
نجوم: ستاره‌شناسی
لایق: شایسته
مباحثه: بحث دوطرفه
ناکام: به هدف نرسیده
رونق: رواج
بحث: گفت و گو
تألیف: جمع آوری کردن
طالبان: طلب کنندگان
عالی قدر: بلندمرتبه
فقیه: دانشمند
ظهور: آشکار شدن
رفع: برطرف کردن
طبيب: پزشک
مناظره: گفت و گوی دو طرفه
تحصیل: کسب کردن
تأسیس: بنیان نهادن
احیا: زنده کردن

خودارزیابی صفحه ۱۰۲

عهد پیمان شهید رجایی با شاگردانش چه بود؟ ۱۰.
من دیر نمی‌آیم شما هم دیر نیایید. من غیبت نمی‌کنم شما هم غیبت نکنید. من به شما دروغ نمی‌گویم شما هم به من دروغ
نگویید. من به هر قولی که به شما بدهم وفا می‌کنم شما هم به هر قولی که به من می‌دهید وفا کنید
چرا مصطفی در هنگام کمک به پیرمرد کمی مکث کرد؟ ۲۰.
چون شیطان می‌خواست با گفتن خودت بیشتر به این پول احتیاج داری او را فریب دهد و این باعث شد او کمی مکث کند
به کاری که مصطفی کرد(ایثار) می‌گویند. نمونه‌ای دیگر از ایثار را ذکر کنید ۳۰.
وقتی در مدرسه یکی از دوستانمان تغذیه خود را جا گذاشته و گرسنه است تغذیه خود را به او بدهیم این یک نوع ایثار است
... جنگ رزمندگان اسلام با دشمن و
خاطره عشق به مردم خاطره‌ای چه کسی می‌باشد؟ کیومرث صابری فومنی(گل آفا) ۴۰.

شخص:

فعل علاوه بر زمان بر شخص نیز دلالت دارد که به آن «شناسه» می‌گویند.
شناسه «نشانه فعل است و همانند نهاد شخص فعل را مشخص می‌کند و همیشه با آن می‌آید. به شناسه «نهاد پیوسته» نیز «می‌گویند. شناسه همیشه با «نهاد» جمله مطابقت دارد.
فعل علاوه بر زمان همیشه بر یکی از سه شخص «گوینده»، «شنونده» و «دیگران» نیز دلالت دارد و نسبت داده می‌شود.
کسیکه سخن می‌گوید، اول شخص -
کسی که با او سخن می‌گویند، دوم شخص -
کسی که از او سخن می‌گویند، سوم شخص خوانده می‌شود -
هریک از این اشخاص سه‌گانه ممکن است یکی باشند که یکی را «مفرد» گویند، یا بیشتر، که آن را «جمع» می‌نامند.
«هر فعلی در هر زمان از جهت نسبت دادن به شخص به «شش» صورت آورده می‌شود «سه شخص مفرد و سه شخص جمع
مفرد:

گوینده: اول شخص مفرد (رفتم) (شناسه: -م)

شنونده: دوم شخص مفرد (رفتی) (شناسه: -ی)

دیگری: سوم شخص مفرد (رفت) (شناسه: -)

جمع:

(شناسه: -یم) --> گویندگان: اول شخص جمع (رفتیم)

شنوندگان: دوم شخص جمع (رفتید) (شناسه: -ید)

دیگران: سوم شخص جمع (رفتند) (شناسه: -ند)

نکته: شناسه‌های فعل‌های ماضی و فعل‌های مضارع جز در سوم شخص مفرد یکسان است؛ در مضارع شناسه سوم شخص مفرد «-د» و در ماضی شناسه سوم شخص مفرد به جز ماضی التزامی «صفر» است یعنی نشانه ظاهری ندارد، نداشتن شناسه را با «.» (شناسه صفر) نشان می‌دهیم. پس نداشتن علامت در این مورد داشتن علامت است

شناسه‌های فعل ماضی (-م، -ی، -یم، -ند)

شناسه جزئی از فعل است که در هر صیغه تغییر می‌کند و مفهوم شخص و عدد فعل از آن بر می‌آید -

نوشتن صفحه ۱۰۴

کلمه‌های هم‌خانواده را پیدا کنید و در کنار هم بنویسید ۱۰

توصیه، وصی، وصیت

خصلت، خصال

منتظر، نظارت، ناظر

موظف، وظیفه، وظایف

ضعف، ضعیف، تضعیف

۲. جدول زیر را کامل کنید.

شمار >-- شخص >-- فعل

گرفتم/اول شخص/مفرد

دیدید/دوم شخص/جمع

آمد/سوم شخص/مفرد

می شنویم/اول شخص/جمع

خواهندرفت/سوم شخص/جمع

۳. در جمله زیر، املای صحیح واژه را در جای خالی قرار دهید.

الف) برای زیارت حرم مطهر حضرت معصومه(س) دم در صحن از اتومبیل پیاده شدیم. صحن/صحن

ب) سگ‌ها غلتیدند و داخل دست پیرمرد قرار گرفتند. غلتیدند، غلطیدند

۴. متن زیر از کتاب «نورالدین» و پسران آورده شده است؛ آنرا بخوانید و فعل‌های آنرا مشخص کنید.

/خواستیم/ بی‌هوشم کند/ رهاشوم/ می‌گفت/ نمی‌شه/ بی‌هوشت کنیم/ می‌میری/ بود/بود

۵. جدول را کامل کنید.

۱. ماضی

۲. ضمیر

۳. یواش

۴. مو

۵. یا

۶. جدی

۷. آرش

۸. دم

۹. بعید

۱۰. بدر

۱۱. دور